

تسلط بر هوای نفس از دیدگاه آیات و روایات

چکیده

این مقاله با هدف شناسایی تسلط بر هوای نفس از دیدگاه آیات و روایات تنظیم و در آن تلاش گردید. تا به این سوال پاسخ داده شود که از دیدگاه آیات و روایات تسلط بر هوای نفس چگونه است؟ تحقیق از نوع تحقیقات توضیحی و روش بکار رفته کتابخانه بوده است. ابزار به کار رفته در جهت جمع آوری داده ها، تحلیل داده ها با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شده است. از مهمترین نتایج این مطالعه می توان اشاره نمود. مطالعه و تحقیق در قرآن کریم و روایات رسیده از اهل بیت عصمت و طهارت بیانگر این مطلب است که انسان موجودی است دو ساحتی؛ جسم مادی و نفخه الهی نفس انسان که تمام حقیقت هستی اوست از دیدگاه قرآن کریم هم اماره به زشتی و پلیدی می کند و تسویلگر و فریبنده است و هم جنبه سرزنشگری دارد و چنانچه تهذیب شود به عنوان مطمئن دست یابد. در این پژوهش کوشیده شده است با مطالعه آیات کلام الله مجید و روایات ائمه معصومین به نکات اساسی و عمده ای دست یافت که یاری گر انسان در برابر هوای نفس و تسلط بر آن باشد. آنچه قرآن در مبارزه با هوای نفس به آن اشاره میکند هم در ساخت معرفتی است و هم پیشنهادها و توصیه هایی در ساخت و عرصه عمل. توجه به پیامدهای پیروی از هوای نفس مانند اندازناپذیری انکار رسالت انبیاء و ایستادگی در برابر آنها تا سرحد ریختن خون آنان شقاوت و بدفرجامی و زندگی، ضنک، مواردی است که بصیرت زایی میکند و در حقیقت نوعی هدایت و البته اتمام حجت با انسان است. در ساحت عمل نیز زهد و تقوا، توجه به حقیقت دنیا یاد خداوند و توجه به عظمت او، توجه به جایگاه انسان در خلقت و توجه به نعمتهای دنیوی و اخروی و یاد مرگ زمینه ساز تسلط بر هوای نفس است. در کنار توجه به عوامل زمینه ساز توجه به موانعی که راه را برای آدمی سخت و طاقت فرسا میکند مانند غفلت، تعصب و لجاجت حرص و طمع و آرزوهای طولانی و رفع آنها، انسان را در این مسیر راسخ تر می سازد. در عرصه عمل نیز توبه و ندامت از گذشته دعا و توسل و درخواست یاری از خداوند، تسلیم و توکل و عزم در ترک گناه و هجرت از گناه به سوی روشنایی و نور راهگشا و مثمر ثمر خواهد بود.

کلیدواژه: هوای نفس، تسلط، کنترل، آیات

مقدمه

مسئله و محور پژوهش هشدارها و اندازهای انبیای الهی در طول تاریخ و فرامین الهی به تمامی انسانها، برای اجتناب از انتخاب کژ راهه های دنیا این پرسش را بوجود می آورد که پیمودن مسیر سعادت اخروی با وجود تمایلاتی که در درون آدمی است چگونه ممکن است انسان در مسیر نیل به سعادت اخروی و رسیدن به غایت آفرینش خود نیاز به قدم گذاشتن در مسیری دارد که از سوی انبیای الهی برای سعادت او ترسیم شده است. اما آنچه که او را در این میان گاه از رفتن باز می دارد و یا حرکتش را کند میکند بخشی از نیروی درونی اوست که هوای نفس خوانده می شود. محور این تحقیق یافتن پاسخی برای این پرسش است که قرآن کریم چه مواردی را به عنوان عامل تسلط بر هوای نفس و رهایی از دیو سرکشی که ابدیت انسان را به بازی می گیرد و او را به ورطه هلاکت همیشگی می کشاند معرفی می کند .

۲- سئوالات و مسائل فرعی

ناگفته پیداست که در کنار پرسش محوری این پژوهش که یافتن ارشادات کلام الهی در رسیدن به عوامل تسلط بر دیو سرکش نفس است پرسشهای دیگری نیز به میان آمده است؛ از جمله: . هوای نفس چیست؟

۲. آیا تمام تمایلات نفسانی مذموم هستند؟

۳ تفاوت فطرت و نفس چیست؟

۴ ارتباط غرایز و نفس انسان چیست؟

۵ ارتباط سعادت و جهت گیری نفس چگونه است؟

کمال نفس چیست؟

تسلط قرآن چه مواردی را به عنوان موانع بر هوای نفس معرفی کرده است؟

روش های تسلط بر خواهش های نفسانی کدامند؟

اهمیت تزکیه نفس و کمال طلبی در قرآن

تزکیه

تزکیه از ماده «ز-ک-و» و در لغت به معنای استوار ساختن و دور کردن شی از عیب و کاستی و ایجاد رشد، برکت و طهارت در آن یا به معنای دور دانستن شی از عیوب و گواهی به پاکی و طهارت آن است برخی معنای اصلی تزکیه را کنار زدن نادرستی ها از امور صحیح دانسته و دیگر معانی را از لوازم و آثار آن به حساب آورده و افزوده اند تفاوت تزکیه با تطهیر و تهذیب در این است که در تطهیر دستیابی به طهارت در برابر رجس» و در تزکیه کنار زدن آنچه باید کنار گذاشته شود و در تهذیب، حاصل شدن صلاح و خلوص مورد نظر است البته به گفته برخی تزکیه مبالغه در تطهیر است و عده ای هم گفته اند: تطهیر پیراستن و تزکیه آراستن است و به عبارت دیگر تطهیر بیرون راندن آلودگی ها و پاک کردن شی است تا آماده رشد و نمو گردد و تزکیه رشد دادن و به «زکوه شکوفایی رساندن آن است. تزکیه در اصطلاح علم اخلاق عبارت از پاک کردن و پیراستن نفس از نقایص و صفات رذیله و آراستن آن به صفات پسندیده و کمالات نفسانیه است و برخی برای آن مراحل برشمرده اند؛ از جمله ۱۰ توبه ۲ مشارطه (شرط کردن با خود مبنی بر بازنگشتن به گناه)؛ ۳. محاسبه؛ ۴. معاتبه و معاقبه (عتاب و عقاب کردن نفس در صورت گناه).

تزکیه به معنای پاک کردن یا پاک دانستن نفس از آلودگیها به صورتهای گوناگون بیش از ۲۰ بار در قرآن به کار رفته و افزون بر آن از واژه ها و موضوعات دیگر مرتبط با تزکیه نیز استفاده شده است. در این موارد عمدتاً از مطالبی چون تزکیه هدف از بعثت پیامبران، رستگاری و مخلص بودن اهل ترکیه در بهشت و عوامل، موانع، آثار و برکات تزکیه سخن به میان آمده است. (امینی، ۱۳۸۶، ص ۳۲)

اهمیت تزکیه در قرآن کریم

تزکیه نفس از رذایل اخلاقی و شهوات نفسانی به جهت آثار و فوایدی که برای انسان در پی مورد توجه همه ملت ها و ادیان الهی بوده و آنان برای تحصیل این امر از روش های گوناگونی بهره می جسته اند.

اسلام نیز برای تزکیه نفس و تطهیر پیروان خود از آلودگی های کفر و گناه و اخلاق ناپسند اهمیت فراوانی قائل شده که این اهتمام را از موارد ذیل می توان استفاده کرد:

۱-تزکیه هدف بعثت انبیا

قرآن در آیاتی یکی از عمده ترین اهداف انبیا را تزکیه نفس و پاک کردن بشر از آلودگیها دانسته است؛ از جمله در آیه ۱۵۱، بقره خطاب به مسلمانان میگوید ما به سوی شما پیامبری فرستادیم تا با تلاوت آیات الهی شما را از آلودگیها پاک سازد ارسلا فیکم رسولا منکم یتلوا علیکم ایتنا ویزکیکم».

۲- رستگاری در گرو تزکیه

رسیدن به فلاح اخروی از بالاترین اهداف مؤمنان است که قرآن راه دستیابی به آن را مبارزه با هواهای نفسانی و تزکیه ذکر کرده است: «قد أفلح من زکها»؛ همچنین قرآن در آیاتی دیگر مؤمنانی را رستگار دانسته است که در جهت تزکیه نفس می کوشند قدافلح المؤمنون وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ». زکات در این آیه اعم از پرداخت زکات و تزکیه نفس است. (امیر، ۱۳۸۲، ص ۱۲)

۳- تقدم تزکیه بر تعلیم و تعلم

قرآن در چهار آیه تزکیه را با تعلیم و تعلم در کنار یکدیگر آورده که در سه آیه تزکیه را مقدم داشته: ویزکیکم وعلّمکم الکتاب والحکمة و در یک آیه تعلیم مقدم شده است: «وعلّمهم الکتاب والحکمة ویزکیهم». در اینکه فلسفه این تقدیم و تأخیر چیست و کدام یک در واقع بر دیگری تقدم دارد اقوال متعددی در بین مفسران مطرح است؛ ولی آنچه از همه قوی تر به نظر میرسد این است که تعلیم هرچند از جهت وجود خارجی بر تزکیه مقدم است؛ اما از جهت اهمیت و رتبه از آن متأخر است زیرا تعلیم و تعلم مقدمه و وسیله ای برای رسیدن به تزکیه است که اگر این هدف بدون تعلیم حاصل میشد ضرورتی برای تعلیم نبود و تقدم تزکیه در سه آیه از چهار آیه مؤید همین امر است؛ اما اینکه در دعای ابراهیم(ع) تعلیم بر تزکیه مقدم شده بدان جهت است که ابراهیم لاله در مقام طلب چند خواسته از خداوند است و در مقام تحقق و عالم خارج علم مقدم بر تزکیه است، زیرا انسان ابتدا باید به اعمال صالح و اخلاق فاضله آگاه شود و بعد خود را تزکیه کند.

۴- سوگندهای متعدد بر رستگاری اهل تزکیه

خداوند در سوره شمس به خورشید و ماه و شب و آسمان و بنا کننده آن و زمین و گستراننده آن و نفس انسان و مرتب کننده آن سوگند یاد کرده است که تزکیه کننده نفس رستگار خواهد شد: والشمس وضحها والقمر إذا تلها والنهار إذا جلها واللیل إذا یغشها والسماء و ما بنها والأرض و ما طحها ونفس و ما سوها... قد أفلح من زکنها سوگندهای یادشده نشان آن است که مسئله اصلی بشر تزکیه نفس است که در صورت وجود آن انسان اهل سعادت و گرنه اهل شقاوت و بدبختی خواهد بود. (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ص ۷۳)

۵- کمال نهایی انسان در قرآن کریم

کمال نهایی انسان چیست؟ و سرانجام آدمی میخواهد به چیزی دست یابد؟ کمال عبارت است از فعلیت و هستی محض و نداشتن قوه و استعداد. کمال داشتن هر چیزی است که برای شی، ممکن و لایق باشد. به سخن دیگر، کمال نقطه پایان و مرحله نهایی و عالی هر شی و یا صفت یا اوصافی است که فعلیت اخیر شیء

اقتضای واحد شدن آنها را دارد و امور دیگر در حدی که برای رسیدن به کمال حقیقی آن مفید باشد کمال مقدماتی و «مقدمه الکمال خواهند بود. در هرانسانی غریزه «حب کمال، وجود دارد و رنج ها و سختی ها را به آرزوی آینده روشن تری بر خود هموار می سازد. انسان با پیمودن مراحل لازم هم در دنیا به کمالاتی میرسد و هم در آخرت، ولی فرقتان در این است که کمالات در دنیا جنبه مقدماتی و آلی وسیله (بودن داشته و زمینه را برای رسیدن به کمال نهایی در آخرت که جنبه عالی دارد، فراهم می آورند. درباره هدف آفرینش انسان در آیات قرآن بیانات مختلفی آمده است که در حقیقت هر کدام به یکی از ابعاد این هدف اشاره می نمایند از جمله عبادت، آزمایش و.... قرآن می فرماید: «من جن و انس را نیافریدم مگر این که مرا پرستش کننده در جای دیگر می خوانیم» اوست که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک از شما به عمل نیکوتر است؛ یعنی آزمایشی آمیخته با پرورش و در نتیجه تکامل و در آیه دیگری آمده است: ولی مردم همواره مختلف اند مگر آنچه پروردگارت رحم کند و برای همین پذیرش رحمت و در سایه آن تکامل آنها را آفرید. همه این خطوط به یک نقطه منتهی می شود و آن پرورش و هدایت و تکامل انسانهاست. از این جا معلوم میشود که هدف نهایی آفرینش انسان رسیدن به کمال و سعادت و دست یازیدن به والاترین کرامت ها و ارزش های انسانی است که این همه در پرتو شناخت و معرفت و عبودیت و بندگی آگاهانه به پیشگاه ذات احدیت ممکن خواهد بود. این کمال و سعادت که از آن به قرب الهی تعبیر میشود عبارت است از این که انسانها به حسب کمالات واقعی وجودی که کسب میکنند به کانون و مرکز هستی نزدیک شده و حجابهای ظلمانی از آنها دور گشته و به مقام فنا نائل شوند. به بیان دیگر، چون واجب الوجود از جمیع جهات کامل و ممکن الوجود از جمیع جهات ناقص است، هنگامی که بنده ای در رفع نقائص خود سعی کند از نظر معنوی به خدا نزدیک میشود این کمال مقدمه است برای کمال نهایی (لقاء الهی) یعنی انسان در نقطه نهایی سیر استکمالی خویش به جایگاهی میرسد که آن جا، نزد خدا و جوار رحمت او است چنانچه قرآن در مورد سرنوشت نهایی متقین می فرماید: به تحقیق پرهیزکاران در باغ ها، نهر ها ی بهشت جاودان منزل خواهند گزید. در جایگاهی راستین نزد خداوند سلطنت و عزت متنعم . و یا در آیه دیگری می فرماید: «ای انسان تو تلاش می کنی که با رنج و کوشش به سوی پروردگارت پیش روی و به ملاقات او نائل آیی.»

پس کمال انسان در دنیا و آخرت رسیدن به مقام قرب الهی در دنیا به معنایی که گفته شد و در آخرت به معنای حضور در جوار رحمت قدس الهی کمال (نهایی) است. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۲۱)

راه رسیدن به این مراتب از کمال در دنیا و آخرت عبودیت و بندگی خدای متعال است که اظهار بندگی و نهایت خضوع و تسلیم در برابر فرمانهای الهی است. بندگی خداوند نیز تا زمانی که انسان راه بر هواهای نفسانی خویش نبندد و با همت بلند و عزمی راسخ به میدان جهاد بزرگ، نشتابند به طور کامل محقق نخواهد شد. آنگاه که زمان آن فرا رسد که چشمهای انسانها به روی حقایق باز شود افراد خطاکاری که پیرو هوای نفس بوده اند دچار پشیمانی می گردند در آن حالت دیگر این پشیمانی سودی به حال خویش نخواهد داشت. تنها کسانی که به طور کامل گمراه نشده اند میتوانند با رحمت و فضل الهی راه خویش را بیابند و به بازسازی

خویش و تزکیه نفس بپردازند اما با این همه همان ها نیز به جهت از دست دادن فرصت ها و سرمایه های خویش دچار پشیمانی میشوند و حزن و اندوه بر چهره هایشان نمودار می شود. انسان برای این که از رحمت الهی و حمایت او محروم نشود می بایست دست از هوای نفس بشوید و از دستورها و فرمان های آن پیروی نکند. (شبر، ۱۳۸۴، ص ۲۲) کسانی که مطیع نفس خویش هستند، از نعمت های بهشتی خواهند شد، و چون به شکل انسان کامل در آنجا ظاهر نمیشوند نمی توانند در بهشت انسان در آیند و به ناچار در دوزخ جانوران وارد میشوند و از آتش آن بهره مند می گردند؛ زیرا چنین انسانهایی با همه آموزه های وحیانی که از سوی خدا فرستاده شده مخالفت کرده و از راه هدایت دور شده اند. پیروی از هوای نفس موجب میشود تا آنان از هدایت خاص الهی محروم گردند؛ بنابراین قرآن به انسانها سفارش اکید میکند تا از هوای نفس خویش پیروی نکنند؛ پیروی و اطاعتی که ب میشود به جای نزدیکی به خدا و دستیابی به کمالات از آن دور گردد. (حائری تهرانی، ۱۳۷۳، ص ۲۲)

مراتب نفس در قرآن کریم

واژه نفس و مشتقات آن حدود ۲۹۵ بار در قرآن به کار رفته است. از قرآن کریم به خوبی استفاده می شود که روح و نفس انسانی دارای سه مرحله است.

نفس اماره

نفس اماره، یعنی روح سرکش که پیوسته انسان را به زشتیها و بدیها دعوت میکند و شهوات و فجور را در برابر او زینت میبخشد این همان چیزی است که خداوند در سوره یوسف از زبان او مطرح کرده است و میفرماید و ما ابری نفسی إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ من هرگز نفس خود را تبرئه نمی کنم چرا که نفس سرکش همواره به بدیها فرمان میدهد.....

نفس لوامه

در آیات نخستین سوره قیامت به آن اشاره شده است روحی است بیدار و نسبتاً آگاه هنوز در برابر گناه مصونیت نیافته است و گاه لغزش پیدا میکند و در دامن گناه می افتد؛ اما کمی بعد بیدار می شود توبه میکند و به مسیر سعادت باز میگردد انحراف درباره او کاملاً ممکن است، ولی موقتی است نه دائم گناه از او سر میزند اما چیزی نمیگذرد که جای خود را به ملامت و سرزنش و توبه میدهد. (دیلمی، ۱۳۸۵، ص ۱۵)

این همان چیزی است که از آن به عنوان وجدان اخلاقی یاد می کنند. نفس لوامه در بعضی از انسانها بسیار قوی و نیرومند است و در بعضی بسیار ضعیف و ناتوان ولی به هر حال در هر انسانی وجود دارد. در مورد نفس لوامه نکته دیگر اینکه انسان با کثرت گناه میتواند آن را به کلی از کار بیندازد. خداوند می فرماید: لَا أَقْسِمُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَ لَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَامَةِ: سوگند به روز قیامت و سوگند به نفس لوامه وجدان بیدار و ملامتگر (که رستاخیز — حق است).

نفس مطمئنه

روح تکامل یافته ای که به مرحله اطمینان رسیده است نفس سرکش را رام کرده و به مقام تقوای کامل و احساس مسؤولیت رسیده که دیگر به آسانی لغزش برای او امکان پذیر نیست. این همان است که در سوره فجر آیه ۲۷ و ۲۸ ای نفس مطمئنه به سوی پروردگارت باز گرد، در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو. به هر حال این نفس لوازم رستخیز کوچکی است در درون جان هر انسان که بعد از انجام یک کار نیک یا بد، بلا فاصله محکمه آن در درون جان تشکیل می‌گردد و به حساب و کتاب او می‌رسد. به همین جهت گاه در برابر یک کار نیک و مهم چنان احساس آرامش درونی می‌کند و روح او لبریز از شادی و نشاط میشود که لذت و شکوه و زیبایی آن با هیچ بیان و قلمی قابل توصیف نیست و به عکس گاهی به دنبال یک خلاف و جنایت بزرگ چنان گرفتار کابوس وحشتناک و طوفانی از غم و اندوه می‌گردد و از درون می‌سوزد که از زندگی به کلی سیر میشود. (حسن زاده آملی، ۱۳۹۲، ص ۲)

البته قرآن از دو نفس دیگر نیز نام می‌برد:

نفسی که خداوند شر و خیرش را به او الهام کرده و نفسی و مَسْوِيَّهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوِيَهَا...

نفس مسوله نفسی که به وسوسه نیروهای شیطانی دچار میشود: بل سولت لکم أنفُسکم أمراء هوسهای نفسانی شما این کار را برای شما آراسته است. (داودی، ۱۳۹۰، ص ۹)

سیمای هوای نفس در قرآن کریم

بر اساس آیات قرآن کریم یکی از مهمترین عوامل سقوط و شقاوت آدمی پیروی از هوای نفس است. در قرآن موانع ایمان و عوامل سقوط به طور کلی زیر سه عنوان عام و وسیع و در عین حال مربوط به یکدیگر قرار می‌گیرند که به ترتیب عبارتند از: هوای نفس دنیا و شیطان به طور کلی عواملی را که موجب ضعف، ایمان سلب ایمان و یا عدم تحقق ایمان میشوند، میتوان تحت عنوان عام هوای نفس مطرح و بررسی نمود. هوای نفس دل آدمی را می‌رباید و به یک معنا نمی‌گذارد دلی برای او باقی بماند تا محلی برای ورود ایمان شود. خداوند در مورد بلعم باعور می‌فرماید: وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ؛ و اگر می‌خواستیم وی را بالا می‌بردیم به وسیله آن (آیات)، ولیکن او به زمین چسبید و از هوای خویش پیروی کرد. وی علم داشت؛ ولی برخلاف آن، از هوای خویش پیروی کرد. سبب انحراف بلعم باعور همین شد که از هوای خویش پیروی کرد و به مقتضای علم خویش عمل رد. در آیه دیگری می‌فرماید وَلَا تَطْعَمَنْ أَعْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرَهُ قَرْطًا؛ و پیروی مکن از آن کس که دلش را از یاد خویش غافل ساخته ایم و از هوای خود فرمان می‌برد و کار او از حد گذشته است.

برخی آیات پیروی از هوای نفس را در تعارض با هدایت در راه خدا دانسته است و می فرماید: فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ؛ پس (ای داود) حکم کن (در) میان مردمان به حق و هوا را پیروی مکن که گمراه را از راه خدا. (حکیمی، ۱۳۸۰، ص ۱۱)

در سوره مبارکه طه آمده است فلا یصدتک عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى؛ پس تو را از آن (قیامت) باز ندارد، آن کس که به آن باور ندارد و هوای خویش را دنبال کرده است که هلاک خواهی شد. در سوره مبارکه قصص هم عدم اجابت دعوت انبیا پیروی از هوای نفس ذکر شده است: فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ؛ پس اگر اجابت نمی کنند تو را بدان که آنان تنها هواء دنبال خواهند کرد و چه کسی گمراه تر از آن کس که از هوای خود متابعت کند بدون هدایتی از جانب خدا. بنابر این انسان هوشیار که در پی سعادت ابدی خویش است بر اساس راهنمایی کتاب الهی در پی تسلط بر هوای نفسی بر می آید که پیروی از آن باعث، گمراهی سقوط و بد فرجامی او می شود. در این راه نیز تمسک به آیات کلام الهی و استمداد از سخنان هدایت بخش ائمه معصومین با تنها راه نجات و مقرر گریز از ظلمت و دام نفس و حيله های ابلیس و رفتن به سوی روشنایی و سعادت است. شناخت و معرفت بیشتر نسبت به عواقب آنچه آدمی در پی اطاعت از هوای نفس دچار آن میشود و با سرنوشت ابدی خویش چگونه بازی می کند، او را در مبارزه با هوای نفس و درصدد برآمدن بر تسلط بر آن بیش از پیش مصمم میسازد.

نتیجه گیری:

نتایج بر اساس تعالیم الهی و آیات کلام الله مجید و سخنان گهربار و راهنمای اوئمه معصومین انسان موجودی زمینی و آسمانی است؛ بدن مادی او زمینی است و روح او که نفخه الهی است توجه به عالم دیگر و ماورای ماده دارد. خداوند متعال برای رسیدن انسان به کمال و سعادت توانایی های مختلفی را در او به ودیعه نهاده است که از آن جمله خواهشها و تمایلات نفس انسان است.

در پاسخ به این خواسته ها نفس انسان با وسوسه شیطان گاه نقش اماره به سوء را ایفا میکند و چنانچه آدمی تسلیم تزیین و تسویل نفس خویش شود و گام به گام به سوی دامهای ابلیس قدم بگذارد سرانجامی جز تباهی و دوری از خداوند متعال پیدا نمیکند و این دوری از حقیقت محض، جز خسران غیر قابل جبران چیزی در پی نخواهد داشت. آیاتی از کلام الله مجید و روایات به اهمیت خودسازی و تزکیه نفس و هوشیاری در برابر دامهای ابلیس و اغواگری نفس مسوله و اماره به آدمی هشدارهای لازم و متعدد را داده اند و در بیان حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی الله جهاد با نفس جهاد اکبر نامیده شده است و قرآن نیز نتیجه تزکیه نفس و مخالفت با هواهای نفسانی را فلاح و رستگاری و برخورداری از نعمتهای الهی ذکر کرده است.

ساختار دستگاه هدایتی انسان تنها در عرصه معرفت افزایی صرف محدود نشده است و راه های عملی مبارزه با هوای نفس و اغواگری ابلیس نیز فراروی آدمی نهاده شده است تا با تمسک به آن راه رهایی و نجات را بیابد و به سر منزل مقصود برسد. انذارهای قرآن در عدم پیروی از هوای نفس با اشاره به تبعات آن جلوه گر است؛ مواردی همچون دوری از رحمت خداوند و زندگی ضیق و ضنک مخالفت و ایستادگی در برابر انبیای الهی، شقاوت، بدفرجامی، بت پرستی و اعراض از یاد خدا و... نمونه هایی از پیامد پیروی از هوای نفس است.

فهرست منابع و مآخذ

*قران کریم

- ۱- امیر، عطریان، اسباب حسد، قم، رسالت، ۱۳۸۲
- ۲- امینی، ابراهیم، آشنایی با اسلام، قم، صبا، ۱۳۸۶
- ۳- جوادی آملی، عبدالله، شمیم ولایت، قم، اسراء، ۱۳۸۲
- ۴- -----، مبادی اخلاق در قرآن، قم، هجرت، ۱۳۸۴
- ۵- حائری تهرانی، مهدی، بنیادهای اخلاق اسلامی، تهران، صدرا، ۱۳۷۳
- ۶- حسن زاده آملی، حسن، نامه ۱ و برنامه ها، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۲
- ۷- حکیمی، محمدرضا، الحیات، تهران، صبا، ۱۳۸۰
- ۸- داودی، محمد، اخلاق اسلامی، قم، معارف، ۱۳۹۰
- ۹- دیلمی، احمد، اخلاق اسلامی، قم، معارف، ۱۳۸۵
- ۱۰- شبّر، عبدالله، الاخلاق، تهران، هجرت، ۱۳۸۴